



بررسی معاونت در خودکشی در حقوق کیفری و قوانین موضوعه ایران

رضوانه عبدالکریمی کومله

۲- کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد لاهیجان، لاهیجان، ایران
rezvanabdolkarimi@gmail.com

چکیده

خودکشی از جمله رفتارهای انسانی است که برخوردهای متفاوتی با آن در حوزه حقوق کیفری شده است. به طور معمول نفس خودکشی به لحاظ فوت مرتکب کانون توجه نبوده اما برخی از کشورها تهدید به خودکشی و اقسام معاونت در آن و دعوت به خودکشی را دارای ضمانت اجرای کیفری قرار داده اند. حقوق کیفری ایران خودکشی و هر نوع معاونت در آن را تا سال ۱۳۸۲ فاقد وصف مجرمانه تلقی نموده بود، اما پس از این تاریخ، با تصویب دو قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح و قانون جرایم رایانه ای در شرایط خاصی معاونت در خودکشی را جرم انگاری نموده اما بازم در کلیت، عدم جرم بودن معاونت در خودکشی است. بر خلاف حقوق کیفری ایران در اکثر قوانین جزایی دنیا معاونت در خودکشی یا اشکال خاصی از آن مورد جرم انگاری واقع شده است. در این مقاله سعی خواهد شد؛ و رای تعیین مجازات معاون در خودکشی، در قوانین اخیر الذکر، احتمال تعقیب کیفری شخص یا اشخاصی را که نفر دیگری را به سمت خودکشی سوق یا وسایل این رفتار را بر ای وی فراهم می کنند با توجه به قوانین موجود و در سایه مقررات شرعی مورد بررسی و تحلیل قرار داد. نگارندگان بر این باور می باشند که می توان در عین سکوت مقنن به این موضوع رسیدگی نمود.

کلمات کلیدی: خودکشی، معاونت، جرم انگاری، حرام شرعی، تعزیر.

۱- مقدمه

بشر پس از گذر از زندگی فردی و تشکیل اجتماع انسانی به زودی دریافت که برای موفقیت بایستی قواعدی را تنظیم و آن را رعایت نماید. ظهور ادیان الهی نیز قواعدی را به صورت امضایی و جعلی برای انسان ایجاد نموده. چه در تفکرات باستانی و چه در ادیان الهی اعم از یهودیت مسیحیت و اسام آسیب رساندن به خود به طور عام و خود کشی به طور اخص مورد مذمت قرار گرفته است. دین مبین اسلام انتحار در حال عادی را جزو افعال حرام می داند و پیروان خود را شدیداً منع کرده و مجازات اخروی برای این رفتار در نظر گرفته است. اما به هر حال این حرام شرعی گاهی اتفاق می افتد و باعث اندوه اطرافیان و اضطراب در جامعه می شود. زمانی گزارش یک خودکشی به پلیس و مراکز امداد رسانی می رسد و پس از آن باز پرس در صحنه حاضر می شوند و از تمامی افراد حاضر اعم از مسئول و غیر مسئول و خانواده و اطرافیان تحقیق می شود و تا مدت ها خاطره این رفتار در ذهن افراد می ماند و از نگاه جرم شناسی آثار بسیار مخربی را بر محیط های اجتماعی اعم از خانواده جامعه محلی و غیره می گذارد. این عمل حرام شرعی تا مدت های طولانی فکر افراد مطلع را در باب چرایی این رفتار به خود مشغول می کند. چرخه



عدالت کیفری کنونی در ایران، به لحاظ عدم جرمانگاری رفتار خودکشی پرونده این عمل، مستند به ماده ۲۶۵ قانون دادرسی کیفری به علت عدم وقوع جرم قرار منع تعقیب صادر می‌نماید و پرونده بسته می‌شود. و به بایگانی سپرده می‌شود. این عملکرد باعث می‌گردد؛ تا پلیس نیز قانوناً حق تعقیب و پیگیری موضوع را نداشته باشد. این در حالی است که علت این خودکشی همچنان در فکر افراد مرتبط باقی مانده و به دنبال این چرایی گاهی اوقات به وضوح یا گاهی در حاله ابهام تصور می‌شود، که فرد یا افرادی با تشویق، تهدید، تطمیع و ارائه طریق و... فرد را به سمت صدمه به خود به طور عام و خودکشی به طور خاص سوق داده است. در قوانین جزایی ایران هیچ‌گاه خودکشی جرم نبوده و نیست و نظر به اینکه در حقوق ایران، معاونت جرمی، عاریه‌ای است فلذا معاونت در آن نیز جرم انگاری نشده است. این در حالی است که رفتار انجام شده ضربات شدیدی را به جامعه، خانواده و نفس فرد وارد شده و خاطر عمومی اجتماع را مکدر می‌نماید. لذا این شائبه به ذهن می‌رسد که چرا یک حرام شرعی باید بدون مجازات باقی بماند؟ چرا با این انحراف بزرگ برخورد نشود؟

در شریعت اسلام و منطق قرآن، خودکشی و معاونت در آن، به عنوان ارتکاب فعل حرام، ممنوع و به تبع آن دارای عقوبت اخروی خواهد بود. خودکشی تلاشی آگاهانه به منظور خاتمه دادن به زندگی شخص توسط خودش می‌باشد و معاون جرم، کسی است که از طریق تحریک، فریب و نیرنگ، ایجاد تسهیلات در وقوع جرم و تهیه وسایل و یا ارائه طریق در ارتکاب رفتار مجرمانه، همکاری و دخالت داشته باشد. در قوانین حقوقی ایران، خودکشی جرم محسوب نمی‌شود و به تبع آن معاونت در خودکشی نیز جرم نخواهد بود؛ چون مجرمیت معاون، یک «مجرمیت استعاری» است و هرگاه عمل ارتكابی جرم نباشد، وصف مجرمانه به معاون نیز تعلق نمی‌گیرد. در حالی که در حقوق جزای اسلام برای اعانت بر اثم، تعزیرات قرارداده شده است. آنچه که در این مقاله اهمیت دارد، این است که با توجه به اینکه عمل خودکشی و معاونت در آن، در شریعت حرام محسوب می‌شود، چرا در حقوق ایران این دو مورد جرم به حساب نمی‌آید و مجازاتی برای آن قرار نداده‌اند؟ البته یکی از دلایلی که خودکشی جرم محسوب نشده این است که وقتی فردی از دنیا می‌رود، امکان مجازات برای او وجود ندارد ولی در مورد معاونت می‌توان با توجه به استناد آیات و روایات که حرام بودن آن را اثبات می‌کند، اینطور بیان کرد که بهتر است در قانون ایران برای آن تعزیر قائل شوند. زیرا این کار باعث می‌شود که از آمار خودکشی کاسته شود. مقالاتی که در زمینه خودکشی و معاونت در آن صورت گرفته است بیشتر در زمینه حقوقی بوده است و کمتر دیده شده که این دو مورد هر دو در کنار یکدیگر بررسی شده باشند و کمتر مقاله‌ای به بررسی علت عدم جرم بودن معاونت در خودکشی پرداخته است.

۲- کلیات و مفاهیم

الف - خودکشی

خودکشی نوعی قتل است که قاتل و مقتول در یک شخص واحد جمع می‌شود. خودکشی عوامل متعددی دارد که از موضوعات اساسی آن می‌توان: احساس پوچی، اعتیاد، شهوت رانی و عشق بازی، زنا، شرابخواری، قماربازی، بی صبری در برابر مشکلات زندگی و بلاها، غرور، حسادت، خیانت، خشم و غضب و لجباجت، ترس از کیفر، ارتکاب جرم، ندامت و سرزنش وجدان، خیانت همسر یا معشوقه به شوهر، ازدواج اجباری، اختلاف‌های خانوادگی، بارداری، نامشروع، دلتنگی‌های خانوادگی، ورشکستگی مالی و روحی، عشق به پول و ثروت (دنیاپرستی و دنیاطلبی)، فقر مالی، عدم اعتماد به نفس در مبارزه با مشکلات، انتقام جویی، حب مقام، بیماریهای صعب‌العلاج و غیرقابل تحمل، علیلی و ناتوانی، بیماریهای روانی مانند افسردگی و جنون ادواری، طلاق و شکست در زندگی و عدم موفقیت در تشکیل خانواده، اختلالات روانی و شخصیتی والدین و تأثیر آن بر فرزندان، اعتیاد یکی از والدین یا هر دو، بدآموزی‌های وسایل ارتباط جمعی، فقر فرهنگی و معنوی و اخلاقی، یأس و ناامیدی نسبت به آینده، شهر نشینی و اضطراب‌های ناشی از آن، افزایش انحرافات اجتماعی، بی عدالتی‌های اجتماعی و شکاف طبقاتی، بیزاری از زندگی، مشکلات خانوادگی و... نام برد. خودکشی انقدر مهم جلوه می‌کند که روزی به نام روز جهانی پیشگیری از خودکشی؛ تاسیس



شده است. در دین مبین اسلام نیز خودکشی تحریم شده است. در قران کریم آیه ۲۹ و ۳۰ از سوره نسا آمده است: لا تقتلوا أنفسکم ان الله کان بکم رحیما * و من یفعل ذلک عدوانا و ظلما فسوف نصلیه ناراً و کان ذلک علی الله یسیراً یعنی: خودکشی نکنید چون خداوند بر شما مهربان است * و هر کس این کار را از روی تجاوز و ظلم انجام دهد، او را در آتش جهنم می‌اندازیم و این کار بر خداوند آسان است.

ب- معاونت

معاون جرم کسی است که بدون آنکه خودش در عملیات اجرایی جرم منتسب به مباشر دخالت داشته باشد، با رفتار خود عمداً وقوع جرم را تسهیل کرده یا مباشر را به ارتکاب آن برانگیخته است. معاون کسی است که هرچند مانند شریک در انجام جرم مداخله نموده است لکن معاونت در جرم بر خلاف شرکت زمانی محقق است که اجتماع معاون با مجرم اصلی، مصداق اجتماع طولی عوامل باشد. معاونت در جرم بر خلاف شرکت خود جرم است و در هر جرمی واقع شود، خواه معاونت در جرم حدی یا تعزیری و خواه در جنایت باشد، در زمره جرایم تعزیری محسوب است (صادقی، ۱۳۹۳: ۳۵۲). در فقه اسلامی معاونت، اعانت بر اثم و عدوان نام دارد (موسوی بجنوردی، ۱۴۰۱: ۳۱۰) قانون گذار ایران از معاونت تعریفی ارائه نداده بلکه مصدق آن را حصری بیان کرده است آخرین اراده مقنن در مورد معاونت در ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسامی مصوب ۱۳۹۲ تبلور یافته است که اشعار می‌دارد:

«ماده ۱۲۶- اشخاص زیر معاون جرم محسوب می‌شوند:

الف- هرکس، دیگری را ترغیب، تهدید، تطمیع، یا تحریک به ارتکاب جرم کند یا با دسیسه یا فریب یا سوءاستفاده از قدرت، موجب وقوع جرم گردد.

ب- هرکس وسایل ارتکاب جرم را بسازد یا تهیه کند یا طریق ارتکاب جرم را به مرتکب ارائه دهد. پ- هرکس وقوع جرم را تسهیل کند.

تبصره- برای تحقق معاونت در جرم، وحدت قصد و تقدم یا اقتران زمانی بین رفتار معاون و مرتکب جرم شرط است. چنانچه فاعل اصلی جرم، جرمی شدیدتر از آنچه مقصود معاون بوده است مرتکب شود، معاون به معاونت در جرم خفیف تر محکوم می‌شود».

ایران یکی از کشورهایی است که میزان خودکشی در آن نسبتاً پایین می‌باشد، ولی این روند رو به افزایش است. در ایران، مردان بیش از زنان خودکشی می‌کنند. (شایگان ۱۳۸۸: ۱۹) با توجه با انحرافی که معاون در خودکشی از خود بروز میدهد و در واقع وی در یک قتل همکاری کرده است منتها قتل واقع شده به صورتی است که مقتول و قاتل در یک شخصیت جمع شده اند و این فرد در واقع معاونت در یک قتل نموده است. به نظر نگارنده معاونت خودکشی چنانچه به عنوان انحراف شدیدی که باعث میشود، آسایش روانی جامعه به هم بخورد، کم از جرایم علیه امنیت ندارد. زیرا ممکن است خودکشی به انتحار و دیگر کشی منجر شود، که امروزه در جهان به دلیل عقده های روانی برخی فرقه ضاله این نوع قتل‌های دسته جمعی از طریق عوامل انتحاری و تحریک روسای فرقه‌ها به چشم می‌خورد، که ارتباط مستقیم با امنیت جامعه دارد چنانچه رویه قضایی به این سمت تغییر نماید که فرد معاون به چرخه کیفری ورود پیدا کند این عمل دارای اثرات مثبتی است. از جمله این که اولاً می‌توان فرد معاون را از لحاظ روانی مورد بررسی و کاوش قرار داد زیرا فردی که تا این حد پیشرفت در از بین بردن یک نفس محقون می‌نماید معمولاً از لحاظ روانی فرد سالمی نبوده و ممکن است تحت تاثیر بیماری اصلی روانی و یا تفکرات فرقه‌های منحرف باشد. ثانیاً حداقل ارزش امکان ورود فرد به چرخه کیفری جلوگیری از موارد مشابه است همانگونه که مطلع هستید خودکشی معمولاً بین سالهای ۱۸ تا ۳۰ سالگی اتفاق می‌افتد و در سنین دیگر به ندرت به چشم می‌خورد این به این معناست افرادی که خودکشی میکنند میتوانند برای جامعه مفید واقع شده و اجتماع برای آنان از هزینه‌های بسیاری از درمان و تحصیل و... . نموده است لذا پیشگیری در چنین مواردی بسیار مفید واقع خواهد بود ثالثاً تا زمانی که قاضی پرونده به ضابطین



و بلاخص پلیس دستوری مبنی بر پیگیری موضوع خودکشی صادر نکند امکان تحقیق کافی و مناسب در این زمینه وجود ندارد لذا تمایل رویه قضایی به این پیگرد قانونی بسیار مهم و ضروری است.

پ- رفتار حرام شرعی

کلمه «حرام»، ریشه در فقه اسلامی دارد به رفتاری اطلاق می‌شود که ترک آن از مردم خواسته شده و انجام آن مستوجب مجازات دنیوی و اخروی است. حرمت، از احکام پنجگانه فقهی، و به معنای رفتار حرام است. منابع فقهی در بیان اشکال حرام تقسیم بندیهای را ارائه داده اند که از جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود ۱- ذاتی و عرضی: حرمت ذاتی، مستقیماً از دلیل شرعی به دست می‌آید، مانند حرمت نوشیدن شراب، اما حرمت عرضی در موردی است که فعل مورد نظر ذاتاً حرام نیست، اما در پی نذر یا قسم، حرام می‌شود؛ مانند مکروهی که به دلیل نذر یا قسم شرعی، حرام می‌شود.

۲- شرعی و عقلی: حرمت شرعی، با دلیل شرعی ثابت می‌شود مانند دروغ گفتن، اما حرمت عقلی، به حکم عقل قطعی به اثبات می‌رسد؛ مانند خوردن غذایی که ضرر جدی دارد و به حکم (کل ما حکم به العقل حکم به الشرع)، حرمت آن روشن می‌شود.

۳- نفسی و غیره: حرمت نفسی، به خود عمل تعلق می‌گیرد، مانند ضرر زدن به دیگران که به خودی خود حرام است؛ اما حرمت غیره، حکم کاری است که مقدمه حرام باشد؛ مانند کشت انگور به نیت فراهم کردن شراب.

۴- ابدی و غیر ابدی: حرمت ابدی، برای همیشه جاری است، مانند حرمت ازدواج با مادرزن، اما حرمت غیر ابدی، ممکن است برداشته شود؛ مانند حرمت ازدواج با خواهرزن که تنها تا زمان پابرجا بودن ازدواج جاری است. فقه اسلامی برای اعمال حرام مجازاتهای مختلفی اعم از حد، تعزیر و... در نظر گرفته است.

۳- لزوم برخورد قضایی - پلیسی با معاون خودکشی

خودکشی رفتاری است که همواره نظر جرم شناسان، روانشناسان و جامعه شناسان و سایر رشته‌های مرتبط را به خود جلب کرده است. در سالهای اخیر، در سرار جهان، میزان خودکشی در راستای رشد مدرنیتراسیون، صنعتی شدن و رشد شهرنشینی افزایش چشمگیر و ۶۰ درصدی داشته است (علی‌وردی نیا و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۰). ایران با حدود ۶ خودکشی در هر صد هزار نفر در سال، یکی از کشورهایی است که میزان خودکشی در آن نسبتاً پایین می‌باشد، ولی این روند رو به افزایش است. در ایران، مردان بیش از زنان خودکشی می‌کنند. (شایگان، ۱۳۸۸: ۱۹) با توجه با انحرافی که معاون در خودکشی از خود بروز میدهد و در واقع وی در یک قتل همکاری کرده است منتهی قتل واقع شده به صورتی است که مقتول و قاتل در یک شخصیت جمع شده‌اند و این فرد در واقع معاونت در یک قتل نموده است. به نظر نگارنده معاونت خودکشی چنانچه به عنوان انحراف شدیدی که باعث میشود، آسایش روانی جامعه به هم بخورد، کم از جرایم علیه امنیت ندارد. زیرا ممکن است خودکشی به انتحار و دیگر کشی منجر شود، که امروزه در جهان به دلیل عقده‌های روانی برخی فرقه ضاله این نوع قتل‌های دسته جمعی از طریق عوامل انتحاری و تحریک روسای فرقه‌ها به چشم می‌خورد، که ارتباط مستقیم با امنیت جامعه دارد چنانچه رویه قضایی به این سمت تغییر نماید که فرد معاون به چرخه کیفری ورود پیدا کند این عمل دارای اثرات مثبتی است. از جمله این که اولاً می‌توان فرد معاون را از لحاظ روانی مورد بررسی و کاوش قرار داد زیرا فردی که تا این حد پیشرفت در از بین بردن یک نفس محقون می‌نماید معمولاً از لحاظ روانی فرد سالمی نبوده. ممکن است تحت تاثیر بیماری اصلی روانی و یا تفکرات فرقه‌های منحرف باشد. ثانیاً حد اقل ارزش امکان ورود فرد به چرخه کیفری جلوگیری از موارد مشابه است همانگونه که مطلع هستید خودکشی معمولاً بین سالهای ۱۸ تا ۳۰ سالگی اتفاق می‌افتد در سنین دیگر به ندرت به چشم می‌خورد این به این معناست



افرادی که خودکشی میکنند میتوانند برای جامعه مفید واقع شده و اجتماع برای آنان از هزینه‌های بسیاری از درمان و تحصیل و... نموده است لذا پیشگیری در چنین مواردی بسیار مفید واقع خواهد بود تا زمانی که قاضی پرونده به ضابطین و بلاخص پلیس دستوری مبنی بر پیگیری موضوع خودکشی صادر نکند امکان تحقیق کافی و مناسب در این زمینه وجود ندارد لذا تمایل رویه قضایی به این پیگرد قانونی بسیار مهم و ضروری است.

۴- رویکرد قوانین جزایی خاص ایران در برخورد با معاونت خودکشی

الف- قانون مجازات جرایم جرایم نیروهای مسلح

قانون گذار ایران جهت حفظ نظم خاص حاکم بر نیروهای مسلح و پیشگیری وضعی از بی نظمی و برهم خوردن امنیت روانی در درون یگانهای نظامی و انتظامی بر هر گونه آسیب رساندن به خود با اهداف خاص، اقدام به جرمانگاری خودزنی نموده است که آخرین اراده مقرر در این زمینه در ماده ۵۱ قانون مجازات جرایم جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ متجلی می‌باشد. حال با توجه به میزان مجازاتهای مندرج در این قانون چنانچه سایر ارکان تشکیل دهنده معاونت از قبیل وحدت قصد، تقدم یا اقتران زمانی و... فراهم باشد، می‌توان فرد معاون را مورد تعقیب کیفری قرار داد.

ب- قانون مجازات جرایم رایانه‌ای

قانون مجازات جرایم رایانه‌ای که در سال ۱۳۸۸ تصویب و مورد اجرا قرار گرفت دارای نوآوری‌های متعددی در زمان تصویب خود بود که در رابطه با این مقاله می‌توان به جرم انگاری معاونت در خودکشی نامبرد که در تاریخ تقنین کیفری ایران بی سابقه بوده است. در مضامین کیفری جاری تنها جایی که از خودکشی یاد شده است در بند ب ماده ۱۵ قانون مذکور است. البته این شکل از معاونت عاریه‌ای نیست بلکه در قالب یک جرم مستقل دیده می‌شود.

۵- رویکرد قوانین جزایی عام ایران در برخورد با معاونت خودکشی

آنچه که در رویه معمول در محاکم قضایی و به طور اخص در دادسرای کیفری مد نظر می‌باشد این است که چنانچه خودکشی اثبات گردید معمولاً قضاوت تحقیق، پرونده را با صدور قرار موقوفی تعقیب به لحاظ فوت مرتکب و یا با قرار منع تعقیب به لحاظ جرم نبودن موضوع، مختومه می‌نمایند. البته این در حالی است که در خودکشی رابطه سببیتی احراز نگردد و الا اگر مثلاً شخصی سیم برق را بدست کودک نا بالغی بسپارد و کودک از خطر برق گرفتگی اطلاع نداشته باشد و طفل با اتصال برق جان خودش را از دست بدهد در اینجا قطعاً رابطه سببیت اقوی بوده و قابل پیگیری می‌باشد. در بحث معاونت در قوانین عام، نظر بر این است چون خودکشی دارای ماهیت کیفری نمی‌باشد و جرم انگاری نشده است لذا معاونت در آن نیز قابل رسیدگی نمی‌باشد. این دیدگاه ناشی از القاء تفکر روشنفکرانه صرف مبتنی بر اصل قانون بودن جرم و مجازات است که هر جرمی را تنها در چهارچوب قانون نوشته می‌داند که طرفداران آن بسیار زیاد هستند. در مقابل نیز اقلیتی وجود دارد که جرم را در قالب فقه اسلامی و با رویکرد به ماده ۱۶۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قابل پیگرد می‌دانند که در بین قضاوت این نگاه نادر بعضاً دیده می‌شود.

۶- برخورد کیفری - پلیسی با معاون در خودکشی

تهدیدیه خودکشی، در منابع شرعی مورد موافقت همه مذاهب اسلامی است زیرا ملاک حرمت قتل در خودکشی نیز وجود دارد. قطعاً معاونت در این عمل حرام اعانت بر اثم و عدوان است. برخی از اساتید حقوق جزا معتقدند که با قرینه‌های موجود



امکان تعقیب کیفری معاون خودکشی میسر است. مجازات مقرر در این ماده (۵۱ ق. م. ج. ن. م) قرینه‌ای است بر این که معاونت در خودکشی و صدمه بر خویش در واقع یک جرم تعزیری محسوب می‌شود (صادقی، ۱۳۹۳: ۶۷). برخی دیگر از اساتید نیز نظر مخالف دارند و اعتقاد دارند که براساس اصل قانونی بودن جرم و به لحاظ عدم انگاری این نوع معاونت، فرد قابل تعقیب نمی‌باشد هر چند شدت انحراف را جدی دانسته‌اند.

الف- تکیه بر اصل ۱۶۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها یکی از اصول اولیه و متعالی در حقوق کیفری ایران و جهان است در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به به آن پرداخته شده است؛ با این وجود برطبق اصل ۱۶۷ قانون اساسی، در موارد سکوت مقنن، قاضی مکلف است تا به منابع یا فتاوی معتبر اسلامی مراجعه نماید. پرسش اساسی در این زمینه این است که با وجود اصل ۳۶ و دیگر اصول مرتبط با اصل قانونی بودن، آیا اصل ۱۶۷ شامل دعاوی کیفری نیز می‌شود یا خیر که دیدگاه‌هایی برای آن ترسیم شده است. بر اساس دیدگاه اول، اصل ۱۶۷ به تنهایی شامل دعاوی مدنی می‌شود. بر پایه دیدگاه دوم، اصل ۱۶۷، دعاوی کیفری را نیز شامل است، ولی فقط قوانین کیفری شکلی و نه ماهوی. بر مبنای نظریه سوم، اصل مزبور تنها مربوط به تشخیص موضوعات کیفری است و نه جرم انگاری و تعیین مجازات. مطابق با دیدگاه چهارم، اصل ۱۶۷، علاوه بر دعاوی مدنی، مشمول دعاوی کیفری نیز می‌شود و قاضی مخیراست در نبود قانون بر مبنای آن، اقدام به جرم انگاری نماید. نگارندگان با همه مخالفت‌های موجود با نظر چهارم در رابطه با سکوت مقنن و به خاطر نفع اجتماعی به صورت محدود موافق هستند که بر پایه آن می‌توان معاون را مورد تعقیب کیفری - پلیسی قرار داد. به مزایای این تعقیب سابقا اشاره شد.

ب- الزام به قواعد فقهی معتبر

قاعده «التعزیر لکل عمل محرم» یکی از قواعد مهم فقهی - حقوقی است. در معنا و تعبیر این قاعده نظرات مختلفی ارائه شده است که در ذیل به آن پرداخته می‌شود:

برای هر فعل حرام تعزیر وجود دارد (خویی، بی تا: ۵۵).

هر کس حرامی را مرتکب شود یا واجبی را ترک کند، تعزیر می‌شود (حلی، ۱۴۱۰ ه. ق: ۲۲۱).

هر کس حرامی را مرتکب شود یا واجبی را ترک کند، امام می‌تواند او را تعزیر کند (حلی، ۱۴۰۳ ه. ق: ۱۶۸).

هر کس با فرمان شرع مخالفت کند، حد یا تعزیر بر اوست (عاملی، بی تا: ۳۰۹).

نگارندگان بر این باور هستند که براساس این قاعده و اصل ۱۶۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌توان معاون در خودکشی را تحت تعقیب قرار داد.

پ- تفسیری از ماده ۶۹ قانون مجازات اسلامی به نفع جامعه

با تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ قانون گذار همچنان رویه خود را درباره سکوت مقنن در معاونت در خودکشی را دنبال نمود. قانون گذار در ماده ۶۹ از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اعلام می‌نماید:

ماده ۶۹- مرتکبان جرائمی که نوع یا میزان تعزیر آنها در قوانین موضوعه تعیین نشده است به جایگزین حبس محکوم می‌گردند. در این ماده قانونی به صراحت اعلام شده است که هر کجا مقنن سکوت نمود می‌توان از طریق این مجرای قانونی فرد را به مجازات محکوم نمود. هر چند برخی از متخصصین جزا این ماده را شامل حرام شرعی ندانسته و صرفا جاهایی که قانون



گذار از کلمه صرفاً استفاده نموده است اکتفا کرده است اما نگارندگان بر این نظر هستند که بر اساس با اصل ۱۶۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌توان فردی را که انحراف شدید وی مورد تایید قرار گرفته است به چرخه عدالت کیفری وارد و چنانچه دارای مشکل خاصی نباشد حداقل با تعیین مجازات‌هایی جاگزین حبس مناسب، نظیر بازپروری و... این عمل شوم را دیگر مرتکب نشود. مجدداً خاطر نشان می‌سازد بخش معاونت در خود کشی ترادفی با سببیت در خودکشی ندارد زیرا در باب سببیت عامل در حکم قاتل عمد است و می‌تواند به راحتی تحت تعقیب قرار گیرد به هر حال این نکته حائز اهمیت است که قضات رسیدگی کننده و وکلای پرونده و تمامی دست اندرکاران مخصوصاً پلیس آگاهی و کارآگاهان جنایی که مسئولیت جمع‌آوری دلایل و شواهد در صحنه را بر عهده دارد به دقت این موضوع را مورد امعان نظر قرار داده که معاون یا مسبب به دقت شناسایی شود و این میسر نیست مگر اینکه که در صحنه اولیه خودکشی دقت لازم از سوی بازپرس و پلیس جنایی به دقت مد نظر قرار گیرد زیرا صحنه جرم تکرار نخواهد شد.

۷- بررسی معاونت در خودکشی از منظر حقوق کیفری ایران

۱- بررسی عناصر جرم معاونت در خودکشی

نظر بر این که معاونت در جرم‌داری مصادیق متعدد می‌باشد، ارائه ی تعریفی جامع و مانع از آن امری دشوار می‌نماید و لذا قانونگذاران غالباً با احصای مصادیق معاونت، به تحدید دامنه ی آن می‌پردازند (نوربها، ۱۳۸۷: ۲۰۲) با عطف توجه به این که معاون غالباً خارج از عرصه ی اجرائی جرم به مساعدت با مجرم مبادرت می‌ورزد، در این مبحث به منظور ایضاح مطلب ابتدا به ذکر عناصر و ارکان سه گانه ی لازم جهت تحقق جرم معاونت در خودکشی می‌پردازیم.

۱. عنصر قانونی

قانونگذار وفق بند (ب) ماده ۱۵ ق.ج.ر. مصوب ۱۳۸۸، بدون ارائه ی تعریفی جامع و مانع از سامانه های رایانه ای، سامانه های مخابراتی یا حامل های داده، معاونت در خودکشی را منحصراً از طریق سامانه ها و ابزار مربوط مورد جرم انگاری قرار داده است. مع الوصف، مشکل این خلأ قانونی بوسیله ی دیگر قوانین مختلف، مرتفع می‌گردد. قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲ به تعریف سامانه ی رایانه ای پرداخته است؛ پیش نویس لایحه ی قانونی مجازات جرایم رایانه ای به تعریف سامانه های مخابراتی پرداخته و حامل های داده نیز در قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲ مورد تعریف قرار گرفته اند. ذکر این نکته خالی از فایده نیست که قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲ همچنین به تعریف «داده پیام» نیز پرداخته است.

۲. عنصر مادی

جرم معاونت در خودکشی مطابق بند (ب) ماده ۱۵ ق.ج.ر. مصوب ۱۳۸۸ دارای، عنصر مادی خاص می‌باشد. بند (ب) ماده ۱۵ ق.ج.ر. مصوب ۱۳۸۸، اعمالی که می‌تواند به عنوان عنصر مادی، مستقلاً مصداق معاونت در خودکشی باشد را منحصراً ذکر نموده و بدین ترتیب ارتکاب جرم معاونت در خودکشی را از طریق تحریک، ترغیب، تهدید، دعوت و نیز فریب محقق دانسته است؛ همچنین تسهیل یا آموزش شیوه ی ارتکاب جرم خودکشی نیز داخل در مصادیق مقوم جرم معاونت در خودکشی از طریق سامانه های رایانه ای، مخابراتی یا حامل های داده است که تمام موارد فوق از جمله ی افعال مادی مثبت می‌باشند. نکته ای که توجه به آن ضروری است این که قانون، به طریق حصری به احصاء سامانه ها و ابزار تحقق جرم معاونت در خودکشی پرداخته و با این وصف، ارتکاب جرم معاونت در خودکشی منحصراً محدود به سامانه های رایانه ای، مخابراتی یا حامل های داده است و در خصوص جرم معاونت در خودکشی، هر یک از مفاهیم فوق، تنها از طرق مذکور واجد وصف مجرمانه خواهند بود.

نکته ی دیگر این که نحوه ی بیان قانونگذار در بند (ب) ماده ۱۵ ق.ج.ر. مصوب ۱۳۸۸، در خصوص هر یک از مفاهیم جرم معاونت در خودکشی، مفید اطلاق بوده و از منظر مذکور، جرم معاونت در خودکشی، جرمی مطلق محسوب می‌گردد و مقید



به حصول نتیجه نمی باشد؛ به عبارت دیگر، از نظر قانونگذار، هر یک از مفاهیم مذکور در بند (ب) ماده ۱۵ ق. ج. ر. مصوب ۱۳۸۸ به صرف ارتکاب فی نفسه به عنوان جرم تلقی می گردد.

با توجه به این که از جمله شرایط لازم جهت تحقق عنصر مادی جرایم علیه اشخاص، شرط محقون الدم بودن مجنی علیه می باشد، پرداختن به بحث معاونت در خودکشی افراد مهدورالدم از این حیث امری ضروری به نظر می رسد. با عنایت به مفاد ماده ۳۰۲ ق. م. ا. مصوب ۱۳۹۲ معاونت در خودکشی اشخاص مهدورالدم مطلق، از طریق سامانه های رایانه ای، مخابراتی یا حامل های داده از شمول مفاد بند (ب) ماده ۱۵ ق. ج. ر. مصوب ۱۳۸۸ خارج می باشد. در خصوص اشخاص مهدورالدم نسبی، تنها در صورتی که معاون در خودکشی، صاحب حق قصاص باشد، از شمول مفاد بند (ب) ماده ۱۵ ق. ج. ر. مصوب ۱۳۸۸ خارج بوده و مستحق مجازات نخواهد بود؛ اما در فرضی که شخصی غیر از اولیای دم، شخص مهدورالدم نسبی را از طریق سامانه ها و ابزار مذکور در خودکشی معاونت نماید، با عنایت به بند (پ) ماده ۳۰۲ ق. م. ا. مصوب ۱۳۹۲ و به موجب بند (ب) ماده ۱۵ ق. ج. ر. مصوب ۱۳۸۸ مصداق بارز جرم معاونت در خودکشی بوده و به مجازات مقرر محکوم خواهد شد. این مطلب در خصوص پیمان خودکشی نیز صادق می باشد. چنانچه شخصی که مخاطب پیمان خودکشی قرار می گیرد، از جمله اشخاص مهدورالدم مطلق باشد، انعقاد پیمان خودکشی با وی از شمول مفاد بند (ب) ماده ۱۵ ق. ج. ر. مصوب ۱۳۸۸ خارج است؛ اما در خصوص اشخاص مهدورالدم نسبی، تنها در صورتی که اشخاص مهدورالدم نسبی، از جانب صاحب حق قصاص مخاطب پیمان خودکشی واقع شوند، صاحب حق قصاص از شمول مفاد بند (ب) ماده ۱۵ ق. ج. ر. مصوب ۱۳۸۸ خارج می باشد. سؤالی که در اینجا مطرح می شود این است که چنانچه شخصی با تصور اشتباه مبنی بر این که شخص دیگر مهدورالدم مطلق یا نسبی است، و حال آن که شخص مذکور، فرد محقون الدم دیگری باشد، در خودکشی وی معاونت نموده یا با وی پیمان خودکشی منعقد نماید، مشمول بند (ب) ماده ۱۵ ق. ج. ر. مصوب ۱۳۸۸ قرار می گیرد یا خیر؟

با عنایت به مفاد ماده ۲۹۴ ق. م. ا. مصوب ۱۳۹۲ اشتباه در هویت در خصوص قتل عمد، ضمن این که باعث تغییر عنوان جرم نمی شود، مسئولیت جزایی مرتکب جرم را نیز از بین نخواهد برد (گلدوزیان، ۱۳۸۶: ۶۱)؛ از این منظر، در معاونت در خودکشی از طریق سامانه های رایانه ای، مخابراتی یا حامل های داده و خاصه پیمان خودکشی نیز اشتباه در هویت مانع از تحقق آن نخواهد شد.

چنانچه شخصی با اعتقاد به مهدورالدم بودن دیگری، وی را از طریق سامانه های رایانه ای، مخابراتی یا حامل های داده در خودکشی معاونت نماید، و حال آنکه شخص مذکور واجد وصف فوق نباشد، با عنایت به مفاد ماده ۳۰۳ ق. م. ا. مصوب ۱۳۹۲ شخص وفق بند (ب) ماده ۱۵ ق. ج. ر. مصوب ۱۳۸۸ مرتکب معاونت در خودکشی محسوب می شود. همچنین چنانچه شخصی با تصور اشتباه مهدورالدم بودن دیگری با وی پیمان خودکشی منعقد نماید، و حال آنکه شخص مذکور واجد وصف فوق نباشد، وفق بند (ب) ماده ۱۵ ق. ج. ر. مصوب ۱۳۸۸ به معاونت در خودکشی محکوم خواهد شد.

۳. عنصر روانی

با امعان نظر در مراتب فوق، در خصوص عنصر روانی جرم معاونت در خودکشی، آنچه حائز اهمیت بوده و وجود آن به عنوان یکی از ارکان تحقق جرم مذکور ضروری می باشد، سوء نیت خاص مرتکب جرم است؛ به عبارت دیگر، علی رغم صراحت قانون مبنی بر مطلق بودن جرم معاونت در خودکشی، به منظور تحقق جرم مذکور، علم و آگاهی مرتکب جرم به هر یک از مصادیق معاونت در خودکشی، همچنین عمد در تحقق هر یک از مصادیق مذکور، توأم با قصد حصول نتیجه امری ضروری می باشد؛ بدیهی است اقتران زمانی در تحقق عناصر مادی و معنوی نیز امری ضروری تلقی می گردد.

۲. بررسی مبنای جرم انگاری معاونت در خودکشی به عنوان جرم مستقل



در راستای تأمین نظم و امنیت اجتماعی، قانون از طریق جرم انگاری به تحدید حقوق و آزادی های فردی و اجتماعی پرداخته و ناگزیر نیازمند اصول و ضوابطی است تا این تحدید را توجیه نماید (قماش، ۱۳۸۹: ۱۴۸). یکی از مصادیقی که در اغلب نظام های حقوقی مورد جرم انگاری قرار گرفته است، بحث معاونت در جرایم می باشد و واکنش کیفی نسبت به آن در قالب دو نظریه و گاه تلفیقی از آن دو نظریه صورت می پذیرد که عبارت از نظریه ی مجرمیت عاریه ای و نظریه ی مجرمیت مستقل می باشد. به موجب نظریه ی جرمیت عاریه ای، اعمال مادی موجد معاونت، عاری از بار جرمیت خاص هستند (نوربها، منبع پیشین، ۲۰۴)؛ اما بر اساس نظریه ی معاونت به عنوان یک جرم مستقل از جرم اصلی، معاونت در ارتکاب جرم به عنوان یک جرم مستقل تلقی شده و مورد شناسائی قرار می گیرد (نوربها، همان: ۲۰۶).

با بررسی تبصره ی ماده ۱۲۶ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ مشخص می گردد که حقوق کیفی ایران در بحث معاونت در جرم، قائل به نظریه ی مجرمیت عاریه ای است؛ بنابراین مادام که عملی مطابق قانون جرم تلقی نگردد، معاونت در آن نیز احراز نخواهد شد.

در حقوق کیفی ایران ارتکاب خودکشی فاقد وصف مجرمانه است و بنابراین معاونت در ارتکاب آن نیز قابل مجازات نمی باشد؛ و از این رو علی رغم عقیده ی برخی مبنی بر عدم لزوم جرم انگاری خودکشی، یکی از راه های برخورد با جرم معاونت در خودکشی، می تواند جرم انگاری خودکشی یا اقدام به خودکشی باشد؛ زیرا در صورت جرم انگاری اقدامات مذکور، معاونت در ارتکاب آن نیز به تبعیت از نظام استعاره ی مجرمیت، مستوجب مجازات

خواهد بود (میرمحمدصادقی و ایزدیار، ۱۳۹۴: ۱۸۹). با وجود این قانونگذار به موجب بند (ب) ماده ۱۵ ق.ج.ر. مصوب ۱۳۸۸، علی رغم عدم جرم انگاری خودکشی، به منظور جلوگیری از مساعدت افراد در خودکشی دیگران، معاونت در خودکشی از طریق سامانه های رایانه ای، مخابراتی یا حامل های داده را نه به عنوان معاونت، بلکه به عنوان یک جرم خاص و مستقل، جرم انگاری نموده است (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۲: ۷۰)؛ بدین معنا که علی رغم عدم جرم انگاری خودکشی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، معاونت در ارتکاب خودکشی از طریق سامانه ها و ابزار مذکور را واجد وصف مجرمانه تلقی نموده و به تبع برای آن مجازات در نظر گرفته است.

در خصوص ماده ی فوق الذکر نکته ی درخور توجه، اقناع مقنن جهت جرم انگاری معاونت در خودکشی می باشد و جرم انگاری این عمل از جانب مقنن، حاکی از این است که از نظر قانونگذار ایران، اصول توجیه کننده ی جرم انگاری این پدیده مبنی بر اصل صدمه (جلوگیری از ایراد صدمه به دیگران) و پدرسالاری قانونی، نسبت به تلقی نمودن معاونت در خودکشی به عنوان اقدامی در جهت احترام به اختیار انسان حائز تفوق است (میرمحمدصادقی و ایزدیار، منبع پیشین: ۱۹۵).

با توجه به مراتب فوق می توان دریافت که قانونگذار ایران، در خصوص معاونت در جرم، نه به نحو اطلاق، مستقل بودن آن را نفی کرده و نه مطلقاً آن را مورد پذیرش قرار داده است؛ بلکه این امر به نوع جرم و شرایط تحقق آن بستگی دارد (میرمحمدصادقی و ایزدیار، همان: ۱۹۴)؛ مواد ۵۰۴، ۵۱۲، ۶۲۳ و نیز ماده ی ۶۲۴ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ حاکی از این امر می باشد. به همین ترتیب در برخی قوانین متفرقه ی ایران، موارد متعددی از معاونت به عنوان جرم مستقل وجود دارد که از جمله ی آنها می توان به ماده ۴۰ قانون گذرنامه مصوب ۱۰ اسفند ۱۳۵۱ و یا ماده ۲۵ قانون مطبوعات مصوب ۲۲ اسفند ۱۳۶۴ اشاره نمود.

مبحث دوم: پیمان خودکشی گفتار اول: بررسی وضعیت پیمان خودکشی در حقوق کیفی ایران. مباشرت در پیمان خودکشی در بادی امر، به منظور بررسی پیمان خودکشی، تحلیل معیارهای معاونت در خودکشی امری ضروری به نظر می رسد. چنانکه ذکر گردید، در حقوق کیفی ایران، معاونت در خودکشی از طریق سامانه های رایانه ای، مخابراتی یا حامل های داده، به عنوان یک جرم خاص و مستقل، مورد جرم انگاری قرار گرفته است. در واقع قانونگذار به موجب بند (ب) ماده ۱۵ ق.ج.ر. مصوب ۱۳۸۸، صرف معاونت در خودکشی از طریق سامانه های رایانه ای، مخابراتی یا حامل های داده را جرم محسوب نموده



است و بنا بر تصریح بند (ب) ماده ۱۵ ق.ج.ر. مصوب ۱۳۸۸، معاونت در خودکشی، ضمن این که جرم آنی است، جرمی مطلق محسوب می گردد که صرف نظر از تحقق یا عدم تحقق نتیجه، واجد وصف مجرمانه می باشد. نظر بر این که به منظور تحقق جرم، از منظر ثبوتی، وجود سوءنیت خاص امری ضروری است، در معاونت در خودکشی از طریق سامانه ها و ابزار مذکور نیز می بایست علم و آگاهی مرتکب جرم به رفتار ارتكابی، توأم با عمد و نیز همراه قصد تحقق نتیجه باشد.

پیشینه ی قوانین جزایی ایران هم مبین این است که قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴، قانون مجازات عمومی اصلاحی مصوب ۱۳۵۲، قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱ و نیز قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ از پیمان خودکشی تعریفی ارائه نداده و در قوانین مذکور در خصوص پیمان خودکشی، جرم و به تبع آن مجازاتی پیش بینی نشده است. در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز در خصوص پیمان خودکشی، شاهد سکوت قانونگذار هستیم.

پیمان خودکشی در قانون قتل انگلستان مصوب ۱۹۵۷ مورد جرم انگاری قرار گرفته است؛ بر اساس قانون مذکور، چنانچه دعوت به خودکشی مبتنی بر توافق مشترک دو یا چند نفر با هدف کشته شدن همه ی آنها باشد، از این توافق مشترک که توأم با عزم راسخ خودکشی است، با لحاظ شرایطی، به پیمان خودکشی تعبیر می شود. بند (۳) بخش ۴ این قانون، پیمان خودکشی را به شرح ذیل تعریف نموده است:

«پیمان خودکشی عبارت از توافق مشترک دو یا چند نفر با هدف کشته شدن همه ی آن ها است؛ خواه هر یک از آنها بخواهد جان خود را بگیرد یا خیر؛ لیکن آنچه را که شخص وارد شونده به پیمان خودکشی انجام می دهد، نمی توان پیمان خودکشی تلقی نمود، مگر آن که در حالی انجام شود که عزم راسخ او مردن در پی آن پیمان بوده باشد.» به موجب بند (۱) بخش ۴ قانون قتل مصوب ۱۹۵۷ انگلستان، کسی که متعاقب پیمان خودکشی که بین او و دیگری منعقد شده است، دیگری را کشته و یا در خودکشی وی معاونت نموده و یا در کشته شدن او توسط شخص ثالثی شرکت می نماید، به ارتکاب قتل غیرعمد محکوم خواهد شد.

به نظر می رسد در خصوص پیمان خودکشی، اساساً سه فرض قابل تصور باشد:

فرض اول- حالت مربوط به توافق مشترک دو یا چند نفر، توأم با عزم راسخ خودکشی (کشتن خود در پی توافق مشترک) و با هدف کشته شدن همه ی آنها است.

فرض دوم- حالت مربوط به توافق مشترک دو یا چند نفر، مبنی بر کشتن یکدیگر است.

فرض سوم- حالت مربوط به توافق مشترک دو یا چند نفر مبنی بر کشتن یکدیگر است و یکی از طرفین در عملیات کشته شدن دیگری توسط شخص ثالث شرکت می کند.

بر اساس مفاد بند (۳) بخش ۴ قانون قتل انگلستان مصوب ۱۹۵۷ در خصوص فرض اول حتی چنانچه یکی از توافق کنندگان بنا به هر دلیلی از کشتن خود منصرف گردد، پیمان خودکشی محقق شده است.

چنانکه ملاحظه گردید به موجب بند (۱) بخش ۴ قانون قتل مصوب ۱۹۵۷ انگلستان، در فرض دوم و سوم برای محکوم علیه، مجازات ارتکاب قتل غیرعمد در نظر گرفته خواهد شد.

علی رغم این که پیش بینی مقررات مختص پیمان خودکشی به لحاظ وضعیت منحصر به فرد آن امری ضروری جلوه می نماید، پیمان خودکشی در حقوق کیفری ایران، مورد جرم انگاری قرار نگرفته است و بنابراین در موارد مقتضی، ناگزیر به تلقی پیمان خودکشی به عنوان یکی از وجوه معاونت در خودکشی مذکور در بند (ب) ماده ۱۵ ق.ج.ر. مصوب ۱۳۸۸ می باشیم. علی رغم این که با وجود سکوت قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و قانون جرایم رایانه ای در خصوص پیمان خودکشی، استناد به اطلاق بند (ب) ماده ۱۵ ق.ج.ر. مصوب ۱۳۸۸، ممکن است با اصل قانونی بودن جرائم و مجازات ها و نیز با اصل تفسیر مضیق قوانین جزائی منافات داشته باشد، در خصوص فروض مختلف موضوع مطروح، ناگزیر به تطبیق هر مورد با قواعد عمومی مربوطه ذیل مواد قانونی موجود می باشیم. در این خصوص، مقررات ماده ۳۶۵ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ مفید تفکیکی قابل توجه



می باشد؛ به این صورت که می بایست میان حالتی که مجنی علیه پیش از وقوع جنایت به ایراد جنایت بر خویش رضایت داده است با حالتی که مجنی علیه پس از وقوع جنایت و پیش از فوت رضایت خود را مبنی بر گذشت از حق قصاص و دیه اظهار نموده است، تفکیک قائل شد.

در خصوص فرض اول، به طور کلی چنانچه موضوع مصداق بند (ب) ماده ۱۵ ق. ج. ر مصوب ۱۳۸۸ واقع شده؛ پیمان خودکشی از طریق سامانه های رایانه ای، مخابراتی یا حامل های داده صورت پذیرفته باشد، چنانچه متعاقب توافق مشترک دو یا چند نفر، توأم با عزم راسخ خودکشی و با هدف کشته شدن همه ی آنها، یکی از توافق کنندگان بنا به هر دلیلی از کشتن خود منصرف گردد، موضوع از مصادیق معاونت در خودکشی مذکور در قانون جرایم رایانه ای محسوب شده و با کشته شدن یکی از توافق کنندگان، دیگری مستند به بند (ب) ماده ۱۵ ق. ج. ر. مصوب ۱۳۸۸ به مجازات معاونت در خودکشی محکوم خواهد گردید.

در خصوص فرض دوم، در حالتی که مجنی علیه پیش از وقوع جنایت به ایراد جنایت بر خویش رضایت داده است، با عنایت به عدم جرم انگاری پیمان خودکشی در حقوق کیفری ایران، موضوع مستند به بند الف ماده ی ۲۹۰ ق. م. ا. مصوب ۱۳۹۲ از مصادیق بارز مباشرت در ارتکاب قتل عمد خواهد بود و مرتکب به قصاص نفس محکوم خواهد شد.

در خصوص فرض سوم، در حالتی که مجنی علیه پیش از وقوع جنایت به ایراد جنایت بر خویش رضایت داده است نیز موضوع مستند به ماده ی ۱۲۵ ق. م. ا. مصوب ۱۳۹۲ از مصادیق شرکت در جرم محسوب شده و مجازات فاعل مستقل جرم قتل عمد که عبارت از قصاص نفس خواهد بود مورد حکم قرار خواهد گرفت.

امادر حالتی که مجنی علیه پس از وقوع جنایت و پیش از فوت رضایت خود را مبنی بر گذشت از حق قصاص و دیه اظهار نموده است، در خصوص فرض دوم و سوم، مقررات ماده ۳۶۵ ق. م. ا. مصوب ۱۳۹۲ مجری خواهد بود؛ بدین ترتیب که رضایت مجنی علیه، امکان مطالبه ی قصاص یا دیه از جانب اولیای دم و وارثان را منتفی نموده و مقررات ماده ی مذکور صرفاً مرتکب را به تعزیر مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» محکوم خواهد نمود.

۲. تسبیب در پیمان خودکشی

نظر بر اتمام قانونگذار مبنی بر این که توجه خود را نسبت به وضعیت روانی افراد، در قالب تقسیمات از پیش تعیین شده ای نظیر صغار و مجانین که از ضابطه ای عینی برخوردارند نشان دهد (اردبیلی، ۱۳۸۲: ۱۸)، مذاقه در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مبی ن این است که چنانچه در پیمان خودکشی که میان دو یا چند شخص منعقد می شود، یکی از طرفین صغیر غیرممیز و یا شخص مجنون باشد، چنانچه صغیر غیرممیز و یا شخص مجنون اقدام به خودکشی نماید، هرچند خود، مباشر محسوب می شود، اما به واسطه ی فقدان آگاهی، اراده و اختیار صغار غیرممیز و مجانین و به استناد ذیل ماده ۵۲۶ ق. م. ا. مصوب ۱۳۹۲ مسئولیت کیفری متوجه سبب اقوی از مباشر می باشد. چنانچه مخاطب پیمان خودکشی، صغیر ممیز باشد، شخص منعقد کننده ی پیمان با وی به مجازات مقرر در بند (ب) ماده ۱۵ ق. ج. ر مصوب ۱۳۸۸ این است که قانونگذار، تحقق مصادیق معاونت در خودکشی را منوط به گستره ی فضای سامانه ها و ابزار فوق الذکر نموده و مفهوم مخالف آن حاکی از عدم جرم انگاری مصادیق معاونت در خودکشی در موارد غیر مربوط به سامانه ها و ابزار مذکور است. مبنای منطقی این اقدام قانونگذار مبهم به نظر می رسد و از این رو عقیده ی برخی مبنی بر این است که علت تقیید جرم انگاری معاونت در خودکشی به ارتکاب آن از طریق سامانه های رایانه ای، مخابراتی یا حامل های داده، این است که ماده ۱۵ ذیل قانون جرایم رایانه ای قید گردیده است و طبعاً مقررات آن می بایست منحصر به فضای سامانه ها و ابزار مذکور باشد (میرمحمدصادقی و ایزدیار، منبع پیشین: ۱۹۵). به هر روی به نظر می رسد نفس معاونت در خودکشی دیگران و نیز پیمان خودکشی، صرف نظر از نوع فضای ارتکاب آن، امری است که با منافع و مصالح فردی و اجتماعی منافات داشته و مستوجب مجازات است و بنابراین تقیید آن به



سامانه های رایانه ای، مخابراتی یا حامل های داده و نیز هرگونه محدود نمودن دامنه ی شمول جرم انگاری و وضع مجازات برای آن از این حیث، فاقد توجیه منطقی به نظر می رسد.

با توجه به این که حقوق کیفری ایران به نوعی ترجمان فقه امامیه می باشد، امعان نظر در تصریح ماده ۳۶۵ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ مبنی بر پذیرش امکان گذشت مجنی علیه از حق قصاص و یا مصالحه با جانی، پس از وقوع جنایت و پیش از فوت، گرایش قانونگذار به نظر آن دسته از فقها که قائل به تأثیر رضایت مجنی علیه در سقوط حق قصاص و یا دیه می باشند را تقویت می نماید؛ اما آنچه توجه به آن حائز اهمیت است این که وحدت ملاک در موضوع مطروح مفید این مطلب است که عفو جانی از قصاص و یا مصالحه با وی پس از وقوع جنایت و پیش از فوت، تفاوت معنابهی با رضایت مجنی علیه پیش از وقوع جنایت نخواهد داشت (صادقی، منبع پیشین: ۶۹). بنابراین با وجود رضایت مجنی علیه و عفو یا مصالحه ی وی در موارد مقتضی، استناد به قواعد عمومی مربوط به جرم قتل با مقتضای عدالت و انصاف سازگاری نخواهد داشت و بنابراین پیش بینی سازوکار قانونی ویژه به منظور مقابله با وجوه متفاوت معاونت در خودکشی و نیز پیمان خودشی امری اجتناب ناپذیر به نظر می رسد. عطف توجه به مناقشات فقهی و این که معاونت در خودکشی و نیز پیمان خودکشی مسبوق به رضایت مجنی علیه و یا توأم با عفو یا مصالحه ی وی می باشد، مفید انتفای قصاص و یا دیه در این خصوص بوده و چنانکه از نظر گذشت، صرف پیش بینی مجازات تعزیری در موارد فوق از هر حیث امری موجه به نظر می رسد.

۸- مبحث اول: بررسی معاونت در خودکشی از منظر سیاست جنایی ایران

ورود مباحث نوین جامعه شناسی کیفری به عرصه ی حقوق جزا، نویدبخش افقی روشن در تحقق نظم اجتماعی مطلوب خواهد بود. با عنایت به این که «ارزش از دید حقوق امر، حالت یا چیزی است که از نظر اعضای جامعه مهم باشد و این مطلب که چه اموری از نظر مردم یک جامعه مهم است، به ماهیت ارزش های آن جامعه و حقوق حاکم بر آن بستگی دارد» (صانعی، ۱۳۷۲: ۳۴) و با عطف توجه به این که علت اصلی و عمده ی پیروی از هنجارهای اجتماعی تحصیل مقوله ی ارزش و صیانت از آن است (رفیع پور، ۱۳۷۷: ۱۷۷)، حقوق کیفری نیز در مسیر فرهنگ سازی و حرکت به سوی هنجارهای اجتماعی موجد ارزش ها است (قویدل، ۱۳۸۸: ۳۹). از این منظر، صیانت از حیات آحاد اجتماع از جمله ی مهم ترین ارزش های هر جامعه محسوب شده و به دلیل این که هر گونه نقض ارزش حیات، بدو امری خلاف اخلاق تلقی می گردد، هر گونه رفتار در راستای آن باعث ایجاد تعصب در افراد جامعه شده و از این منظر می بایست موضوع حقوق کیفری قرار گیرد (بوشهری، ۱۳۷۹، ۲۳). اما نکته ای که توجه به آن ضروری است این که صرف غیراخلاقی بودن یک رفتار نمی تواند مبنای جرم انگاری قرار گیرد؛ بلکه زمانی که رفتار غیراخلاقی نظم عمومی جامعه را مختل سازد و احساسات متعارف جامعه را برانگیزد، به ویژه هنگامی که به وسیله ی ابزارهای غیرکیفری کنترل اجتماعی نتوان بر پیشگیری از یک رفتار فائق آمد، جرم انگاری و مجازات وارد عرصه ی عمل خواهد شد (قویدل، ۱۳۸۸: ۴۱) و این امری است که به وضوح در خصوص اقدام به خودکشی و نیز هرگونه معاونت در آن صادق می باشد. بدین سان حقوق کیفری با استعانت از ارزش های نهادینه شده در اجتماع و به منظور تقلیل نرخ اقدام به خودکشی و هرگونه معاونت در آن به عنوان نوعی تخطی از هنجارهای پذیرفته شده ی اجتماعی ابزارهای، کیفری و غیرکیفری توأم با مقبولیت آحاد اجتماع را در اختیار خواهد داشت. بنابراین با توجه به این که سیاست جنایی هر رفتاری را اعم از فاصله گرفتن از قانون یا فاصله گرفتن از هنجارهای اجتماعی، مورد مطالعه قرار می دهد، این امکان را فراهم می آورد که اقدام به خودکشی و هرگونه معاونت در آن نیز، هم از نظر جرم بودن، هم از نظر انحراف بودن و هم از نظر تطبیق این دو با هم مورد مطالعه قرار گیرد (دلماست مارتی، ۱۳۷۶: ۱۹۳)؛ مع الوصف نظر بر عدم جرم انگاری اقدام به خودکشی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ می توان با وضع قوانین پیشگیرانه به کاهش نرخ اقدام به خودکشی و نیز هرگونه معاونت در آن نائل آمد.



۹- نتیجه‌گیری و پیشنهادات

در این مقاله علمی سعی بر آن شد که مسئله خودکشی و معاونت در آن هم از لحاظ فقهی و هم حقوقی بررسی شود و برای هر کدام ادله‌های مخصوص خود را آوردیم تا بتوانیم اثبات کنیم که مسئله خودکشی و معاونت در آن از لحاظ شرعی حرام و جزء گناهان کبیره به حساب می‌آید و دارای عذاب اخروی می‌باشند. همچنین معاونت در خودکشی جزء اعانت بر اثم است و این درحالی است که برای آن به عنوان یک جرم جداگانه، تعزیراتی در نظر گرفته نشده است. خودکشی و معاونت در آن در ایران جرم شناخته نشده و برای آن مجازاتی در نظر گرفته نشده است؛ با اینکه حرمت آن در شرع تأکید فراوان دارد و تنها برای جرائم رایانه‌ای که منجر به معاونت در خودکشی می‌شود مجازات قرار داده شده است. با توجه به مطالب پیش گفته از نگاه جرم شناسی بین خودکشی و قتل عمد از نظر ضربه‌ای که به امنیت روانی جامعه می‌خورد، تفاوت چندانی نیست با این تفاوت که در قتل عمده قاتل و مقتول دو شخصیت مجزا هستند. اما در خودکشی جانی و مجنی علیه یک شخص می‌باشند. نگارنده معتقد است بر خلاف آنچه که در رویه جاری محاکم وجود دارد در پرونده‌های خودکشی قضات رسیدگی کننده اعم از قاضی تحقیق وقاضی صادر کننده حکم، بایستی در جست و جوی علت خودکشی باشند زیرا ممکن است خودکشی با ترغیب و تشویق دیگری انجام شده باشد که در این صورت در حکم معاونت در قاتل عمد قابل تعقیب است زیرا اینکه فردی شخص خودکشی کننده را مورد تحریک و تشویق و یا از طریق تهیه وسایل به سمت ارتکاب خودکشی سوق داده باشد. چنین شخص متهم بایستی مورد بررسی کیفری قرار گرفته و به چرخه کیفری وارد شود از نظر نگارندگان اذن ورود را مقنن ابتدا در اصل ۱۶۷ قانون اساسی و سپس با در نظر گرفتن ماده ۶۹ از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به قضات داده است. پس این امکان برای قاضی وجود دارد تا قبل از صدور حکم وی را از لحاظ کارشناسی و شخصیتی مورد بررسی قرار گیرد و این احتمال وجود دارد که نامبرده از لحاظ روانی دچار مشکل بوده و تحت تسلط فکری مکتب خاصی باشد لذا بسیار لازم است که با چنین فرد منحرفی برخورد شود. و محاکم با این نظر که خودکشی در حقوق ایران جرم انگاری نشده است و معاونت جرم، خودکشی را جرم نمی‌دانند از تعقیب کیفری پرونده صرف نظر نماید.

همچنین با توجه به اینکه خودکشی و معاونت در آن از گناهان کبیره و حرام است، و آیات و روایات زیادی در این زمینه وجود دارد و از طرفی در حقوق ایران به عنوان جرم شناخته نشده و برای آن مجازاتی قرار داده‌اند و این در حالی است که به طور کلی اعانت بر اثم در شریعت حرام می‌باشد و برای معاون در جرم تعزیراتی قرار داده‌اند و از آن طرف در حقوق ایران هم برای معاون جرم به طور کلی تعزیر در نظر گرفته شده است، حال با استفاده از آیات و روایات که دلالت بر حرام بودن خودکشی و معاونت در آن دارند و با توجه به قاعده اعانت بر اثم که شامل تعزیر می‌شود و همچنین حقوق ایران که معاونت را به طور عام جرم حساب کرده و تعزیر قرار داده است، می‌توان حداقل برای فردی که معاونت در خودکشی داشته، تعزیر قائل شد. چراکه: فردی که خودکشی می‌کند و از دنیا می‌رود، دیگر وجود خارجی ندارد که مجازات شود و اگر برای خانواده او مجازات در نظر گرفته شود کار عقلانی و شرعی نخواهد بود. بنابراین می‌توان برای فرد معاون که همکاری در خودکشی او داشته است، تعزیر قائل شد؛ زیرا به هر حال او مجرم است و در بسیاری از خودکشی‌های صورت گرفته، فرد عینی قبل از آن عمل وجود داشته که سبب تحریک انسانی برای خودکشی شده است. به نظر می‌رسد بهترین راه برای جلوگیری از بسیاری خودکشی‌ها، قراردادن مجازات برای معاون این عمل است تا کمتر شاهد بروز جرم خودکشی در ایران باشیم. در خاتمه ی بحث با توجه به عدم جرم انگاری اقدام به خودکشی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، وضع قوانین پیشگیرانه به منظور کاهش نرخ اقدام به خودکشی، امری اجتناب ناپذیر به نظر می‌رسد. همچنین با توجه به این که صرف ذکر ماده ی مذکور ذیل قانون جرایم رایانه ای پاسخگوی خلأها و ابهاماتی که در حقوق کیفری ایران در خصوص وجوه مختلف معاونت در خودکشی مطرح است نخواهد بود، شایسته است قانونگذار در قانون مجازات اسلامی در خصوص هرگونه معاونت و شرکت در خودکشی و نیز پیمان



خودکشی به نحو مشخص به تعیین تکلیف پردازد. نظر بر این که عفو جانی از قصاص و یا مصالحه با وی پس از وقوع جنایت و پیش از فوت از حیث سقوط ضمان، چندان تفاوتی با تأثیر رضایت مجنی علیه پیش از وقوع جنایت سسسس در عدم ثبوت ضمان ندارد، صرف پیش بینی مجازات تعزیری در قانون مجازات اسلامی در این خصوص، جایگزین مناسبی برای قصاص و دیه خواهد بود.

مراجع

- ۱) آقابابائی، اسماعیل، نقش رضایت مجنی علیه در مجازات قتل از روی ترحم (اتانازی)، مجله فقه، شماره ۷۲، سال نوزدهم، ۱۳۹۱.
- ۲) اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائده و البرهان فی شرح ارشاد الأذهان، جلد ۱۴۰۳، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۰۵. ق.
- ۳) اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، ج ۱ و ۲، نشر میزان، ۱۳۸۲.
- ۴) اصفهانی، فاضل هندی، محمد بن حسن، کشف اللثام و الابهام عن قواعد الأحكام، جلد ۲، چاپ اول، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۶. ق.
- ۵) انصاری، محمدعلی، مجله‌ی فقه اهل بیت علیهم السلام، جلد ۴۳، چاپ اول، قم: مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، بی تا.
- ۶) بروجردی، حسین طباطبایی، منابع فقه شیعه، مترجمان: حسینیان قمی، مهدی؛ صبوری، محمدحسین، چاپ اول، تهران: انتشارات فرهنگ سبز، ۱۴۲۹ ه. ق.
- ۷) بوشهری، جعفر، حقوق جزا، تهران، شرکت سهامی، ۱۳۷۹.
- ۸) حسینی، سید محمد، سیاست جنایی در اسلام و جمهوری اسلامی ایران، پلی کپی، دوره دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، مجتمع آموزش عالی قم، ۱۳۸۳-۱۳۸۲.
- ۹) حلّی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، ارشاد الاذهان الی احکام الایمان، ج ۲، چاپ اول، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۰. ق.
- ۱۰) حلّی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، تحریر الأحکام الشرعیه علی مذهب الامامیه، جلد ۱۴۲۰، چاپ اول، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۳۰۵. ق.
- ۱۱) حلّی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، قواعد الأحکام فی معرفه الحلال و الحرام، جلد ۳، چاپ اول، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳. ق.
- ۱۲) حلّی، محقق، نجم الدین، جعفر بن حسن، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ج ۱۴۰۸، چاپ دوم، قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۰۴. ق.
- ۱۳) خویی، سید ابوالقاسم موسوی، مبانی تکمله المنهاج، جلد ۲، چاپ اول، قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخویی، ۱۴۰۷ ه. ق.
- ۱۴) دلماس مارتی، میری، از حقوق جزا تا سیاست جنایی ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله نامه مفید، شماره ۱۱، ۱۳۷۶.



- ۱۵) دورکیم، امیل، خودکشی، مترجم نادر سالار زاده، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۸.
- ۱۶) رفیع پور، فرامرز، آناتومی جامعه، تهران: انتشارات شهید بهشتی، ۱۳۷۸.
- ۱۷) ابوالحسن شاکری، ماندانا رستگاری، جرم دعوت به خودکشی در حقوق کیفری ایران، پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، شماره ۴، ۱۳۹۲.
- ۱۸) صادقی، محمدهادی، رضایت به جنایت، مجله ی مدرس علوم انسانی، دوره ۷، شماره ۲۸، ۱۳۸۲.
- ۱۹) صانعی، پرویز، جامعه شناسی ارزش ها، تهران: انتشارات دانشگاه، ۱۳۷۲.
- ۲۰) عاملی، شهید اول، محمد بن مکی، القواعد و الفوائد، جلد ۲، چاپ اول، قم: کتابفروشی مفید، بی تا.
- ۲۱) عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، جلد ۱۵، چاپ اول، ۱۴۱۳.ق.
- ۲۲) قماش، سعید، بنیادهای جرم انگاری در حقوق کیفری نوین، مجله حقوق اسلامی، سال هفتم، شماره ۲۴، ۱۳۸۹.
- ۲۳) قویدل، محمدحسین، ارزش ها و حقوق کیفری ایران، ماهنامه دادرسی، سال سیزدهم، شماره ۷۸، ۱۳۸۸.
- ۲۴) گلدوزیان، ایرج، بایسته های حقوق جزای عمومی (۱؛ ۲؛ ۳)، چاپ پانزدهم، نشر میزان، ۱۳۸۶.
- ۲۵) لنکرانی، فاضل، قواعد الفقهیه، چاپ اول، (قم: چاپ مهر)، ج ۱، ۱۴۱۶.ه. ق. ۳۰. منتظری، حسینعلی، دراسات فی المكاسب المحرمه، نگین قم، ۱۴۱۷. ق.
- ۲۶) میرمحمد صادقی، حسین؛ ایزدیار، علی، خودکشی مساعدت شده پزشکی: از مبانی جرم انگاری تا واکنش کیفری، فصلنامه حقوق پزشکی، سال نهم، شماره ۳۲، ۱۳۹۴.
- ۲۷) میرمحمد صادقی، حسین، جرایم علیه اشخاص، چاپ یازدهم، نشر میزان، ۱۳۹۲.
- ۲۸) آیت الله سید محمد موسوی بجنوردی، سید عباس حسینی نیک، ترجمه مباحث حقوقی تحریرالوسیله آیت الله موسوی بجنوردی، چاپ پنجم، انتشارات مجد، ۱۴۰۱.
- ۲۹) نجفی ابرنآبادی، علی حسین، جامعه شناسی جنایی (تقریرات)، تهیه و تنظیم: مهدی صبوری پور، دوره ی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، سال ۸۴-۱۳۸۳.
- ۳۰) نجفی، صاحب الجواهر، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، جلد ۴۲، چاپ هفتم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴.ق.
- ۳۱) نوربها، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، چاپ بیست و دوم، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۷.
- 32) Boundaries/Crossing Lines", Bioethics, Vol. 14, No. 3, 2000.
- 33) Callahan, D. (1992) *When Self-determination runs amok*, Hastings Center Report, Vol. 22, No. 2,.
- 34) Charlesworth, M. (1993). *Bioethics in a Liberal Society*, Cambridge University Press.
- 35) Donchin, A, *Autonomy, Interdependence, and Assisted Suicide: Respecting*
- 36) Feinberg, J. (1986) *The Moral Limits of the Criminal Law: Harm to Self*. Vol. 3, Oxford. 35. University Press.
- 37) Glick, S. M. (1997) *Euthanasia: an unbiased decision?*, the American Journal of Medicine, Vol. 102, No. 3,.
- 38) Mill, J. S, *On Liberty*, London, J. W. Parker and Son, 2th Ed, 1859.
- 39) Mogg, M. (2015) *The Right to Decide*, Australian Nursing Journal, Vol. 13, No. 8, 38.
- 40) Lewis, P. (2014) *Right discourse and assisted suicide*, American Journal of law Medicine, Spring.